یادداشت

سرهنگ مراد مرادی*

پیشگیری اجتماعی، اصولی‌ترین روش مقابله با جرائم است

امروزه اهمیت پیشگیری از وقوع جرائم بر کسی پوشیده نیست. همانطور که نقش پیشگیری از بیماری مؤثرتر از درمان بیماری است برای مقابله با جرم نیز موضوع پیشگیری و اصلاح و تربیت مهمتر و مقدم بر مجازات مجرم است به عبارت دیگر تدابیر پیشگیرانه اجتماعی بهتر و اثر گذارتر از مجازات مجرم جلوی بزهکاری را می‌گیرد. ما در پیشگیری اجتماعی از جرم در قدم اول به دنبال شناخت و شناسایی علت‌های جرم هستیم و در قدم دوم به دنبال متوقف کردن و ایجاد تحول در آن عواملی هستیم که فرد را به سوی هنجارگریزی و ارتکاب جرم سوق می‌دهد. این نوع پیشگیری مستلزم مداخله در محیط اجتماعی عمومی مانند محیط‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، محله، خانواده، مدرسه و... است و باید تلاش کنیم که انگیزه‌ها و فرصت‌ها و ابزارهای جرم را در این محیط‌ها حتی‌المقدور از بین ببریم تا نیاز به پیشگیری کیفری به حداقل برسد.

نباید فراموش کنیم که هدف اصلی ما در پیشگیری اعم از کیفری و غیرکیفری (اجتماعی)، تربیت و اصلاح فرد و جامعه است که در فرهنگ غنی و متون دینی ما بهترین روش برای مقابله با جرم و بهسازی جامعه، پیشگیری اجتماعی است که این نوع پیشگیری هم فردگرا و هم جامعه و نهادگرا است. یعنی گاهی می‌بایست مجموعه اقدام‌ها و آموزش‌هایی را به فرد داد که در برابر ناهنجاری‌ها توانمند شود و خود را صیانت کند و گاهی هم باید نهادها و قوانین و مقررات و... را درست کرد تا زمینه ارتکاب جرم کاهش یابد. خداوند متعال در قرآن کریم تأکید فراوانی بر پیشگیری غیرکیفری یا همان پیشگیری اجتماعی دارد. در قرآن کریم ۲۵۹ بار از مشتقات کلمه «تقوا» آمده است که معنای کلی تقوا، پیشگیری، صیانت و خودپایی است. در زبان عربی هر وسیله و چیزی که نقش پیشگیرانه را دارد از ریشه کلمه تقوا می‌سازند برای مثال به «پلیس پیشگیری» «الشرطه الوقائیه» می‌گویند که کلمه الوقائیه هم ریشه با کلمه تقوا است.

ما به عنوان پلیس که براساس قانون، پیشگیری از وقوع جرائم جزو وظایف قضائی ناجا محسوب می‌شود، معتقدیم که بهترین و اصولی‌ترین روش برای مقابله با جرائم، پیشگیری اجتماعی است؛ چراکه مبتنی بر اصول مسلم اسلامی و سیاست جنایی اسلام و نظر اندیشمندان حوزه انسان شناسی است.

***معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ**

قاتل سرباز به مرگ محکوم شد

مردی که متهم است سرباز پلیس را در شهرستان گرگان به قتل رسانده محاکمه و به قصاص محکوم شد.

این حادثه تیرماه سال قبل در کوی افسران گرگان اتفاق افتاد. سرباز وظیفه که امیدگرگز نام داشت هنگام گشت‌زنی به مردی مظنون شد و به او فرمان ایستاد داد. مرد مظنون اما با ضربه چاقو سرباز پلیس را هدف قرار داده و از محل گریخت. بعد از آن بود که مأموران پلیس موفق شدند عامل حادثه را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات در دادگاه کیفری یک استان بررسی شد. هیئت قضات بعد از شنیدن دفاعیات متهم او را به قصاص محکوم کرد.

کشف عتیقه‌های قبل از میلاد

سرپرست انتظامی علی آباد از کشف عتیقه‌های مربوط به هزاره قبل از میلاد در علی آباد کتول خبر داد.

سرهنگ الیاس تازیکه گفت: مأموران پلیس آگاهی شهرستان علی آباد کتول موفق به شناسایی و دستگیری اعضا یک باند حفاری غیرمجاز شدند. اعضا این باند که چهار نفر بودند اقدام به حفاری غیرمجاز در نقاط مختلف می‌کردند که با کار اطلاعاتی مأموران پلیس آگاهی دستگیر شدند. وی ادامه داد: در بازرسی از مخفیگاه متهمان، پنج قطعه اشیا عتیقه مربوط به هزاره اول قبل از میلاد کشف شد و متهمان پس از تشکیل پرونده برای انجام مراحل قانونی تحویل مراجع قضائی شدند.

مرگ دختر خردسال در آتش سوزی عمدی

آتش‌سوزی عمدی در زیرزمین مسکونی در شهرستان یزد شش نفر را مصدوم و دختر ۲/۵ ساله‌ای را به کام مرگ کشاند.

به گزارش ایسنا، این آتش‌سوزی ساعت ۴:۵۴ صبح دیروز در زیرزمین مسکونی حوالی بلوار امام رضا(ع) شهر یزد رخ داد و بلافاصله دو ایستگاه آتش‌نشانی در محل مشغول اطفای حریق شدند. محمدرضا رحیمی، معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی یزد درباره این حادثه گفت: آتش‌نشانان که کمتر از دو دقیقه در محل حادثه حاضر شده بودند، دریافتند کانون آتش که دود و شعله‌های آن تمام منزل را فراگرفته است زیرزمین خانه است. بنابراین در کمترین زمان ممکن حریق را مهار و هفت نفر از ساکنان زیرزمین را به بیرون منتقل کردند و تحویل عوامل اورژانس دادند. وی با بیان اینکه بررسی‌ها نشان داد آتش‌سوزی عمدی و به خاطر انتقام‌جویی بوده است ادامه داد: در این حادثه دختر ۲/۵ ساله‌ای به علت استنشاق دود متأسفانه فوت کرده است و مادر ۳۱ ساله این دختر همراه پنج نفر از مهمان‌هایش که اهل زابل بودند مصدوم شدند.

محاکمه مهندس بیکار به اتهام ربودن زن سرطانی

مهندس بیکار که از دوسال قبل به اتهام ربودن و آزار زن بیمار در بازداشت به سر می‌برد روز گذشته برای دومین بار در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، آبان ماه سال ۹۴، زن ۲۸ ساله‌ای به نام پروانه با مراجعه به اداره پلیس از مردی مسافربر به اتهام آدم‌ربایی و آزار و اذیت شکایت کرد. او گفت: «مدتی قبل متوجه شدم به بیماری سرطان مبتلا شده‌ام به همین دلیل هر وقت در خانه تنها بودم و حالم بد می‌شد با شوهرم تماس می‌گرفتم تا به خانه بیاید. روز حادثه هم با او تماس گرفتم، اما گفت نمی‌تواند محل کارش را ترک کند به همین خاطر تصمیم گرفتم به خانه مادرم بروم.» وی ادامه داد: «خودم را به سر خیابان یافت‌آباد رساندم و منتظر تاکسی بودم که پراید سفیدرنگی ایستاد.

بعد از گفتن مسیرم سوار شدم و راننده حرکت کرد. راننده سر صحبت را باز کرد که متوجه شدم به بیراهه می‌رود. وقتی اعتراض کردم در حاشیه خیابان خلوتی توقف کرد. خواستم از ماشین پیاده شوم اما درهای خودرو قفل بود.

او به سویم حمله کرد و وقتی مقاومت مرا دید با مشت به صورتم کوبید و مرا کتک زد. سپس بدون توجه به التماس‌هایم مرا آزار داد و از ماشین به بیرون پرت کرد و رفت. فقط در آن لحظه توانستم پلاک خودروی او را به خاطر بسپارم.»

با اطلاعاتی که زن جوان در اختیار پلیس قرار داده بود، مأموران با استعلام شماره پلاک، پسر ۲۸ ساله‌ای به نام فریبرز را شناسایی و دستگیر کرد. او که مدعی بود مهندس برق است خودش را بی‌گناه خواند و گفت آن زمان در تهران نبوده است، اما در مواجهه حضوری با زن جوان به جرمش اقرار کرد و در شرح ماجرا گفت: «مهندس برق هستم اما کار مناسبی پیدا نکردم به همین خاطر مشغول مسافرکشی شدم. آن روز وقتی زن جوان را کنار خیابان دیدم بدون انگیزه او را سوار کردم. در ماشین سر صحبت باز شد و به او گفتم مجرد هستم. او هم داشت درد دل می‌کرد که وسوسه شدم و فکر آزار به ذهنم رسید. به همین دلیل گوشه‌ای خلوت ماشین را متوقف کردم و خواستم او را آزار دهم که با مقاومت زن جوان رهایش کردم.»

با اقرارهای متهم و صدور کیفرخواست، پرونده کامل و به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده، زن جوان بار دیگر شکایت خود را مطرح و برای متهم درخواست اشد مجازات کرد. در پایان هیئت قضایی بعد از آخرین دفاع متهم را از تجاوز به عنف تبرئه و او را به ۱۵ سال زندان و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما از سوی قضات دیوان نقض و به شعبه همعرض فرستاده شد.

به این ترتیب پرونده در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی کیخواه بررسی شد. این جلسه که به صورت غیرعلنی پشت درهای بسته انجام شد، بعد از قرائت کیفرخواست از سوی نماینده دادستان شاکی بعد از طرح شکایتش گفت: «این ماجرا تأثیر بدی در روحیه‌ام گذاشته است. شب‌ها کابوس می‌بینم و جرئت ندارم تنها از خانه خارج شوم به همین دلیل تحت درمان یک روان‌شناس هستم.» زن جوان در حالیکه به شدت گریه می‌کرد و می‌لرزید گفت: «قبل از این ماجرا زندگی خوبی داشتم و بیماری‌ام رو به بهبودی بود، اما شوک این ماجرا بیماری‌ام را وخیم‌تر کرد. همچنین با همسرم نیز دچار اختلاف شده‌ام و زندگی‌ام در آستانه فروپاشی است.» سپس شاکی به دستور ریاست دادگاه در جایگاه قرار گرفت و گفت: «آن روز وقتی دچار وسوسه شیطان شدم و التماس‌های زن جوان را دیدم فکر کردم در مورد بیماری‌اش دروغ می‌گوید، اما وقتی دچار مقاومت‌های او بیشتر شد منصرف شدم و رهایش کردم. باور کنید از آن روز دچار عذاب وجدان هستم و از اشتباهی که کردم پشیمانم. حالا از شاکی و هیئت قضایی تقاضای بخشش دارم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور حکم وارد شور شد.

قاتل سرباز پلیس قصاص شد

خریدار مواد مخدر که هفت‌سال قبل سرباز پلیس را در غرب تهران به قتل رسانده بود در زندان رجایی شهر کرج قصاص شد.

قاضی محمد شهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران به خبرنگار ما گفت: متهم هفت‌سال قبل هنگام تعقیب و گریز، سرباز وظیفه‌ای را به قتل رساند و همراه همدستش از محل گریخت. مأموران خیلی زود متهم را دستگیر کردند. قاتل پس از تحقیقات تکمیلی در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری محاکمه و با درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد.

سرپرست دادسرای امور جنایی ادامه داد: پس از تأیید حکم قصاص متهم، پرونده آن برای سیر مراحل قانونی و اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد و در نهایت پس از گرفتن استیذان حکم، متهم سحرگاه بیست و نهم آذرماه در زندان رجایی‌شهر پای چوبه دار رفت و قصاص شد.

■ آغاز ماجرا

ساعت ۲۴ شامگاه ۲۸ مردادماه سال ۱۳۸۹ بود که دو مأمور گشت کلانتری شهرزیبا که یکی نیروی کادر پلیس و دیگری سرباز وظیفه کلانتری بود هنگام گشت‌زنی در محدوده استحفاظی به دو مرد که در فضای سبز پرسه می‌زدند مشکوک شدند و دستور ایست دادند.

دو مظنون وقتی مأموران را در بالای سرشان دیدند چاره‌ای جز تسلیم نداشتند. مأموران در بازرسی از یکی از متهمان یک‌قبضه چاقو کشف کردند. بدین ترتیب مأمور پلیس در حالی که مشغول تفتیش بدنی یکی از متهمان بود، متهم دیگر را در اختیار سرباز وظیفه قرار داد و سرباز هم متهم را به داخل خودرو هدایت کرد.

دقایقی از تفتیش بدنی نگذشته بود که متهم از صندلی عقب خودرو خودش را به پشت فرمان خودرو رساند و برای فرار از دست مأموران خودرو را روشن و اقدام به فرار کرد. در این لحظه سرباز وظیفه که محمد نام داشت دستور ایست داد، اما متهم توجهی نکرد و به حرکت خود ادامه داد تا اینکه محمد خودش را به در خودرو رساند تا مانع فرار متهم شود. در حالی که سرباز وظیفه شیشه در خودرو را گرفته و آویزان بود متهم، با سرعت زیاد او را روی آسفالت‌ها کشاند، اما او خودرو را رها نکرد تا اینکه متهم، سرباز را با سرعت زیاد به گاردریل کوبید و پس از انداختن وی روی زمین از محل گریخت. در این حال که مأمور پلیس به کمک سرباز وظیفه رفته بود متهم دوم نیز از فرصت استفاده کرد و از محل گریخت.

پس از این پیکر نیمه‌جان سرباز برای درمان به بیمارستان رسول اکرم(ص) منتقل شد، اما محمد به علت خونریزی شدید روز ۲۹ مردادماه فوت کرد. بنابراین با اعلام خبر قتل سرباز وظیفه پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی و دستگیری عاملان قتل محمد وارد عمل شدند.

■ دستگیری متهمان پس از قتل

مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی متهمان فراری آغاز کردند و در نهایت خیلی زود یکی از آنها را به نام اسماعیل شناسایی و دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها همدست خود را به نام عباس که متهم به قتل بود به مأموران معرفی کرد. وی گفت: آن روز همراه عباس برای خرید مواد مخدر شیشه به فضای سبز رفته بودیم و منتظر خرده‌فروش مواد بودیم که مأموران به ما مشکوک شدند. مأمور پلیس از من یک قبضه چاقو کشف کرد و عباس هم در اختیار سرباز وظیفه قرار گرفت. وقتی عباس پشت فرمان نشست و از محل فرار کرد من هم از فرصت استفاده کردم و از محل گریختم. با اعتراف متهم، مأموران عباس را دستگیر کردند.

متهم در بازجویی‌ها به قتل سرباز وظیفه اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل با دختر جوانی رابطه دوستی برقرار کردم. او معتاد به شیشه بود و من همیشه برای او مواد می‌خریدم. شب حادثه برای خرید شیشه به پارک کوچکی رفته بودیم که قبل از خرید مواد مأموران ما را دستگیر کردند. من از فرصت استفاده کردم و پشت فرمان نشستم و فرار کردم، اما سرباز وظیفه شیشه در را گرفته بود و حاضر نبود خودرو را رها کند که او را به گاردریل زدم تا فرار کنم. پس از فرار، خودرو را در پارک جنگلی در غرب تهران رها کردم و چند روزی به صورت پنهانی زندگی کردم تا اینکه دوباره برای خرید شیشه به محل حادثه آمدم و مأموران مرا دستگیر کردند.

متهم پس از تکمیل پرونده در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری محاکمه و به قصاص محکوم شد. متهم پس از تأیید حکم قصاص در یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور سحرگاه روز ۲۹ آذر ماه امسال در زندان رجایی شهر با چوبه دار قصاص شد.

برائت از همدستی در قتل شوهر

زن جوانی که ۳ سال قبل به اتهام معاونت در قتل شوهرش بازداشت شده بود، محاکمه و از اتهام خود تبرئه شد.

به گزارش خبرنگار ما، دهم مرداد ماه سال ۹۳، مأموران پلیس تهران از مرگ مردی رهگذر در جریان سانحه رانندگی در حاشیه جاده ملارد با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که جسد متعلق به مردی جوان است که بر اثر برخورد با خودروهای عبوری کشته شده‌است. بررسی اوراق هویتی که همراه جسد بود نشان داد که او مردی ۲۵ ساله به نام مرتضی است. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی بود که مشخص شد مرگ مرتضی در جریان تصادفی ساختگی رقم خورده است.

مأموران پلیس بعد از تحقیق از همسر ۲۵ ساله مرتضی به رابطه او با مردی ۳۰ ساله به نام اکبر پی بردند. نیره وقتی در این باره تحقیق شد اعتراف کرد که با همدستی اکبر سناریوی قتل شوهرش را طراحی و اجرا کرده است. اکبر بعد از بازداشت گفت: «من و مقتول دوست صمیمی بودیم و در رفت و آمدها متوجه اختلاف نیره و مرتضی شده بودم. نیره با من درددل می‌کرد به این خاطر به او علاقه‌مند شده‌بودم، اما مرتضی از این ماجرا بی‌خبر بود. به بهانه اختلافات سعی کردم او را راضی کنم تا نیره را طلاق دهد، اما زیر بار نمی‌رفت. آنجا بود که نقشه قتل را کشیدیم. روزی که با خانواده مرتضی به شمال رفته بودیم در راه برگشت به بهانه‌ای مرتضی را از ماشین پیاده کردم تا پشت فرمان بنشیند. وقتی پیاده شد او را با تصادف عمدی به قتل رساندم و جسدش را در حاشیه جاده رها کرده و به تهران برگشتیم.»

با این توضیحات، اکبر به اتهام مباشرت در قتل و نیره به اتهام معاونت در قتل و هر دو به اتهام رابطه نامشروع در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

در آن جلسه نیره جرمش را انکار کرد و گفت: «به خاطر دیدن بچه ۱۰ ماهه‌ام و تهدیدهای اکبر مجبور شدم آن حرف‌ها را بگویم اما حالا می‌گویم بی‌گناهم.» در ادامه اکبر بار دیگر ماجرا را شرح داد. در پایان مرد جوان به قصاص و ۹۹ ضربه شلاق اما زن جوان از معاونت در قتل تبرئه و به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد. با تأیید حکم اکبر در شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور، اما حکم زن جوان نقض و پرونده بار دیگر به همان شعبه ارجاع داده شد. بنابراین نیره بار دیگر در همان شعبه محاکمه شد و بار دیگر جرمش را انکار کرد. سپس اکبر که به عنوان مطلع از زندان اعزام شده بود، گفت: «با تأیید حکم قصاص چیزی برای از دست دادن ندارم. حالا حقیقت را می‌گویم و باور کنید نیره در قتل نقشی نداشت.»

در پایان هیئت قضایی پس از شور بار دیگر زن جوان را تبرئه کردند و این بار حکم از سوی شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور تأیید شد.

درخواست دیه از بیت‌المال برای قتل تعمیرکار

خانواده مرد تعمیرکاری که شش سال قبل به طرز مرموزی به قتل رسیده بود به خاطر شناسایی نشدن قاتل تقاضای دیه از بیت‌المال کردند.

به گزارش خبرنگار ما، ۲۸ مردادماه سال ۱۳۹۰ بود که بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک مرد میانسالی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. مأموران در بیمارستان با جسد مرد ۴۱ ساله‌ای به نام فیروز روبه‌رو شدند که بر اثر ضربه به سر جان باخته بود. بررسی‌ها نشان داد پیکر نیمه‌جان مقتول لحظاتی قبل در پارکینگ خانه‌اش پیدا شده و همسایه‌ها او را به بیمارستان منتقل کرده‌اند. در حالی که احتمال می‌رفت مرد فوت شده بر اثر تصادف به کام مرگ رفته باشد، بررسی مأموران نشان داد در آن ساعت هیچ تصادفی رخ نداده است.

مأموران در نخستین گام از همسر مقتول تحقیق کردند. وی گفت: ما زندگی خوبی داشتیم تا اینکه شوهرم معتاد به مواد مخدر شد و اختلافات ما هم شروع شد. شوهرم مکانیک بود و هر روز به محل کارش می‌رفت. روز حادثه من برای انجام کاری به بیرون رفتم و به شوهرم گفتم اگر زودتر به خانه آمد شام را آماده کند. ساعت ۲۰ شب بود که از بیرون آمدم و دیدم شوهرم شام آماده نکرده و در حال تماشای تلویزیون است. خیلی ناراحت شدم و با حالت قهر از خانه بیرون آمدم که شوهرم با لباس خانگی به دنبال من آمد تا مرا به خانه برگرداند که به او گفتم به خانه برود و بعد از اینکه لباس‌هایش را پوشید به خانه مادرم بیاید. من به خانه مادرم رفتم و از شوهرم خبری نشد تا اینکه فهمیدم همسایه‌ها جسد او را داخل پارکینگ خانه‌مان پیدا کرده و به بیمارستان منتقل کرده‌اند.

وی ادامه داد: من خیلی زود موضوع حادثه را به خانواده شوهرم اطلاع دادم و خودم به بیمارستان رفتم که فهمیدم شوهرم فوت کرده است. همسایه‌ها به من گفتند که صدای دو مرد را شنیده‌اند که شوهرم را به زور از پله‌ها به سمت پارکینگ می‌برده‌اند و من احتمال می‌دهم او را به قتل رسانده‌اند.

پس از این مأموران از همسایه‌ها تحقیق کردند. یکی از همسایه‌ها گفت: شب حادثه من صدای درگیری شنیدم، اما توجهی به آن نکردم. آن شب صداهایی که از خانه مقتول به گوشم می‌رسید حکایت از این داشت او در خانه تنها نیست و چند نفری با او هستند. یکی دیگر از همسایه‌ها گفت: روز ختم مقتول، مرد موتورسواری کنار خانه مقتول توقف کرده بود و تلفنی با فرد دیگری حرف می‌زد. او گفت که مردی را که چند روز قبل کتک زده‌اند فوت کرده‌است. این مرد هراسان به نظر می‌رسید و بعد هم از محل رفت، اما من شماره پلاک او را یادداشت کردم. با بدست آمدن این اطلاعات مأموران تحقیقات گسترده‌ای را انجام دادند و همچنین صاحب موتور سیکلت را برای بازجویی بازداشت کردند. وی در بازجویی‌ها قتل مرد میانسال را انکار کرد و گفت: شب حادثه موتورسیکلتم خراب بود که برای تعمیر به تعمیرگاهی بردم و صاحب تعمیرگاه هم شاهد است. مأموران در ادامه تحقیقات هیچ مدرکی برای مشخص شدن اتهام مرد موتورسوار نیافتند و از طرفی هم صاحب تعمیرگاه تأیید کرد که وی شب حادثه در تعمیرگاه بوده است. بنابراین وی را آزاد کردند.

در چنین شرایطی مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند، اما موفق به شناسایی عامل یا عاملان قتل مرد میانسال نشدند. در حالی که بیش از شش سال از حادثه مرگبار گذشته و قاتل مرد تعمیرکار مشخص نشده‌است، صبح دیروز خانواده وی به دادسرای امور جنایی آمدند و درخواست دیه از بیت‌المال کردند. بدین ترتیب بازپرس، پرونده را برای بررسی دیه از بیت‌المال به دادگاه کیفری فرستاد.

نگاه

مهدی جراحی دربان*

۲۵ درصد مأموریت‌های پلیس برای پرونده‌های نزاع است

پرونده‌های بسیاری با موضوع نزاع همه روزه در محاکم پلیس تشکیل می‌شود. نزاع با انگیزه‌های مختلف، عمدتاً به دلیل مسائل جزیی شکل می‌گیرد و به جراحت طرفین و گاه قتل یک نفر یا چند نفر از شرکت کنندگان در آن منجر می‌شود. چشم در چشم شدن، پارک کردن خودرو، بوق زدن و مسائلی از این دست از عمده‌ترین موضوعاتی است که بسیاری از مواقع پرونده‌های خونینی را رقم زده است. درحال حاضر حدود ۲۵ درصد مأموریت‌های پلیس مرتبط با نزاع و درگیری است و قدرت و توان پلیس در حوزه خدمات فوریتی، صرف مأموریت‌های نزاع و درگیری می‌شود. نزاع معضلی اجتماعی است و عامل اصلی آن ناشی از مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. معمولاً نزاع علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت و کدر کردن روابط انسانی، امنیت انسان را هم از جنبه‌های مختلف تهدید می‌کند و به‌نوعی انسجام جامعه را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. طبق اطلاعات به دست آمده نزاع به‌عنوان یکی از اولویت‌های مهم در بحث آسیب‌های اجتماعی در تهران مطرح است که نیازمند تحقیق و کار عملی برای رفع آن است. بنابراین شواهد و مدارک تحقیق در این زمینه ضروری به‌نظر می‌رسد و با توجه به آنکه نزاع و درگیری از مسائلی است که معمولاً ذهن و وقت مسئولان امنیتی و سیاسی شهر تهران را به‌خود مشغول کرده است. قطعاً ریشه‌یابی این معضل و شناسایی مکانیسم‌های نزاع و درگیری و عوامل مستور کننده آن زمینه لازم را برای برنامه‌ریزی، تسهیل و کنترل آن فراهم می‌آورد. به‌طوری که با شناخت عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری می‌توان در جهت رفع مکانیسم‌های این مسئله بسترهای لازم و مناسب را به‌منظور حداقل کردن آن فراهم آورد.

***کارشناس اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی فاتب**

معتادان تمیز را می‌آورند دسته‌چک می‌گیرند

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت با اشاره به سوءاستفاده مافیا از معتادان خیابانی گفت: مواردی داشتیم که این باندها از معتادان خیابانی سوءاستفاده کرده و با تغییر سر و وضع ظاهری معتادان و پوشاندن لباس‌های شیک و گرانقیمت، برای آنها دسته‌چک می‌گیرند.

سرهنگ محمد بخشنده با اشاره به شیوه‌های مختلف قاچاقچیان موادمخدر برای سوءاستفاده از معتادان به «تسنیم» گفت: متأسفانه ما در مواردی شاهد بودیم که خیلی از معتادان خیابانی توسط قاچاقچیان مواد مخدر تطمیع شدند و در قبال مواد مخدر و مقادیر ناچیزی پول از آنها سوءاستفاده می‌کنند. وی ادامه داد: ما از همین معتادان خیابانی و متجاهر مواردی داشتیم که باندهای قاچاق مواد مخدر از این افراد سوءاستفاده کرده و با تغییر سر و وضع ظاهری آنها و پوشاندن لباس‌های شیک و گرانقیمت، اقدام به اخذ دسته‌چک بانکی برای آنها کرده و از این دسته‌چک بانکی استفاده می‌کردند. وی گفت: این باندهای قاچاق مواد مخدر با سوءاستفاده از حساب‌های بانکی و دسته‌چک این افراد، برای معاملات غیرقانونی خود استفاده می‌کنند. بخشنده خاطرنشان کرد: متأسفانه قاچاقچیان موادمخدر از معتادان و حتی در برخی موارد از افراد روستایی غافل و ناآگاه به‌عنوان ابزار استفاده می‌کنند تا مطامع خود را با سوءاستفاده از این افراد تأمین کنند.

آرایشگر اخراجی عکس خصوصی مشتریان را منتشر می‌کرد

شاگرد آرایشگاه زنانه بعد از اخراج عکس‌های خصوصی آرایشگر و مشتریانش را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد.

چند روز قبل زنی به مأموران پلیس فتای کرمان خبر داد که عکس‌های خصوصی او و مشتریانش در حال دست به دست شدن در شبکه‌های اجتماعی است. او گفت: یک نفر عکس‌های خصوصی‌ام را در تلگرام برای شوهرم و همچنین گروه‌های تلگرامی منتشر می‌کند. فرد ناشناس همچنین عکس‌های خصوصی مشتریانم را هم منتشر می‌کند. بعد از مطرح شدن شکایت کارآگاهان پلیس فتا در این باره تحقیق کرده و موفق شدند منتشر کننده عکس‌ها را که زنی جوان بود شناسایی کنند. شاکی وقتی با او مواجه شد متوجه شد که منتشر کننده عکس‌ها کسی نیست جز شاگرد قبلی‌اش. متهم در بازجویی‌ها گفت: مدتی قبل در آرایشگاه شاکی کار می‌کرد. او به بهانه‌ای من را اخراج کرد. من هم تصمیم به انتقام گرفتم و برای همین شروع کردم عکس‌های خصوصی او و مشتریان آرایشگاه را منتشر کردن. سرهنگ امین یادگارنژاد، رئیس پلیس فتا فرماندهی انتظامی استان کرمان به شهروندان گفت: مراقب عکس‌برداری در اماکن خصوصی و عمومی از خود باشند و اجازه ندهند دیگران از آنها با موبایل عکس‌برداری یا فیلم‌برداری بکنند؛ چراکه امکان سوءاستفاده از این عکس و فیلم وجود دارد. وی ادامه داد: افراد به هیچ عنوان اطلاعات شخصی و مهم خود مثل عکس و فیلم‌های خصوصی و خانوادگی خود را روی تلفن‌های هوشمند خود ذخیره نکنند؛ چراکه احتمال سرقت، هک و... در این خصوص وجود دارد و اینکه این اطلاعات آنها به دست افراد سودجو بیفتد و این افراد تلاش کنند با این اطلاعات از آنها اخاذی کرده یا برای آنها مشکلی ایجاد کنند.